

تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان

سید علی هاشمیان فر* محمد گنجی**
* گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
** گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان

چکیده

رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی در هر جامعه و از شاخص‌های.

توسعه یافتگی جوامع محسوب می‌شود. فرهنگ شهروندی و عناصر کلیدی آن همواره در طول تاریخ پرفراز و نشیب این مفهوم از طرف متفکران و صاحب نظران علاقمند به مسائل اجتماعی که تمدن و پیشرفت جوامع بشری را در استقرار آن فرهنگ می‌دانند، از ادوار باستان تا کنون مورد بحث و چالش قرار گرفته است. امروزه تعیین میزان نهادینه شدن فرهنگ شهروندی به منظور تعیین جایگاه خود در جریان توسعه یافتگی در بستر جهانی شدن از ضروریات دستیابی به شاخصهای توسعه می‌باشد. در مقاله حاضر با توجه به داده‌های پژوهشی به دست آمده از مطالعه پیمایشی شهر اصفهان پس از مطالعه تاریخی مفهوم شهروندی و با استفاده از نظریه‌های گوناگون، به بررسی وضعیت شهروندی و ابعاد مختلف آن در شهر اصفهان و میزان آن در بین شهروندان اصفهانی پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: شهروندی، شهروند، مشارکت پذیری، مسئولیت پذیری، رعایت قوانین

Analysis on Citizenship Culture in the City of Isfahan

J. Hashemianfar* & M. Gangi**

* Sociology Department, the University of Isfahan

** Sociology Department, University of Kashan

Abstract

Behavior of citizens and their quality of participation in the social activities is taken to account for one of the basic requirements of social capital and indication of being developed in the societies. Citizenship culture and its key elements have been challenged through out the history of this concept by thinkers and the clear – sighted people who take interest in social problems and believe that civilization and progress of human societies are related to the establishment of that culture and have been discussed and argued from the ancient era until now.

Today, defining the amount of institutionalization of citizenship culture in order to define our situation in the development in the globalization back ground is urgent for achieving development indices.

In this paper, after collecting data from surveying the city of Isfahan and historical study of citizenship concept, and by using different theories, the citizenship condition and its various dimension in the city and among the people will be discussed.

Keyword: Citizenship

مقدمه:

مرتبط است که شهروندان نسبت به خود و دیگر شهروندان دارند. شهروندی اجتماعی با اتکاء به آن دسته اصول اخلاقی شکوفا می گردد که مشوق احساس برادری، هموعی³، تعهد و مسئولیت پذیری است. (ذکائی، 1380، ص 62). مفهوم شهروندی در بعد اجتماعی ایده ای است که در اروپای غربی مطرح شده است و در قرن شانزدهم همزمان با فراگیر شدنش انتشار یافته است. مفهوم شهروندی را می توان در مجموع جزء مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی در هم آمیخته است. در ایران نیز مانند هر نقطه دیگر خاور میانه تا قبل از پایان قرن 19 مدیر اجرایی شهر یکی از شاهزادگان، یا اغلب، فردی نظامی بود که وی را به عنوان والی شهر منصوب می کرد و دارای اختیارات و امتیازات نامحدود بود. در دوران معاصر شهر نشینی و شهروندی از مظاهر تمدن بشمار می آید و بسیاری از دولتها برای تثبیت موقعیت اجتماعی و سیاسی خود شهرنشینی و شهروندی و مباحث مرتبط با آن و نیز جهت بخشیدن به موضوعهای

شهروندی¹ و رفتار شهروندان² از متغیرها و عوامل بنیادین در گسترش سرمایه اجتماعی و به دنبال آن توسعه جوامع بشری است که اهمیت یافتن آن در مطالعات اجتماعی و پرداختن به آن در این تحقیق نشأت گرفته از آن است. مفهوم شهروند و شهروندی از مفاهیمی است که از دیر باز تا کنون مطرح بوده و سیر تکامل خود را در ادوار و جوامع مختلف طی نموده است. این مفهوم که حامل مدنیت و پیشرفت بوده است، از منظرهای گوناگون توسط مکاتب مختلف فلسفی، سیاسی و حقوقی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در بررسی و مطالعه مفهوم شهروندی همواره یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی به چشم می خورد. ((مفهوم شهروندی)) علاوه بر زمینه های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسایل سنتی نظری جامعه شناسی، مثل شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی، ناظر است. اخلاق مدنی، همچنین مستقیماً با تغییرات هویتی و تصوراتی

1-Citizenship

2-Citizens

3- Fellow feeling

از بزرگترین شهرهای ایران تبدیل شده است و پیامدهای شهری فراوانی از جمله ترافیک، مصرف انرژی، تراکم جمعیت و... را به همراه داشته است بررسی فرهنگ شهروندی در این شهر لازم و ضروری به نظر می آید. هدف بررسی مذکور، شناخت وضعیت شهروندی در شهر اصفهان و ارائه راهکارها و خط مشی های عملی بوده تا مسئولان و تصمیم گیرندگان با تکیه بر نتایج به دست آمده بتوانند در یابند به منظور تحقق شهروندی و مشارکت اعضای جامعه در راستای توسعه شهر، چه نوع اهرم هایی بایستی مورد استفاده قرار گیرد و از کدام شیوه ها می بایست پرهیز شود.

روش شناسی

پژوهش حاضر یک تحقیق میدانی از انواع تحقیقات پیمایشی² می باشد که با بررسی مجموعه ها و افراد گوناگون موجود به جمع آوری اطلاعات پرداخته شده است. همچنین یک تحقیق توصیفی می باشد که به توصیف ویژگیهای افراد مورد مطالعه جامعه آماری و بررسی میزان فرهنگ شهروندی و ابعاد مختلف آن در بین آنها نیز پرداخته شده است. جامعه آماری مطالعه حاضر افراد 15 سال و بالاتر ساکن شهر اصفهان در زمان مطالعه می باشند که چون اطلاعات دقیقی نسبت به تعداد این افراد در دست نیست با مراجعه به آخرین آمار مربوط به سرشماری ها که مربوط به سال 1375 است، مبادرت به استخراج آنها شد. بر اساس سر شماری سال 1375 که در آمار نامه استان اصفهان ثبت شده است، مجموع مردان و زنان بالای 15 سال شهر

مربوط به شهر نشینی و شهروندی را در اولویت قرار داده اند. امروزه مفهوم شهروندی با مفهوم و نگرش آن در قرن 19 و 20 بسیار متفاوت است و حقوق شهروندی دارای حوزه های مختلفی است (جهانگیری، 1381: ص 14). شهروندی، اصلی است که بر روابط دولت و اعضای جامعه نظارت می کند؛ یعنی از یک سو به امتیازات دولت و حقوق افراد و از دیگر سو به مناسبات و فرایندهای تاریخی مربوط می شود. با این که شهروندی اعتبار فردا در جامعه مشخص می کند، اما همزمان بر بسترهای اجتماعی که فرد در آنها رفتار می کند، نیز تأکید دارد. به بیان دیگر، شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت ها منعکس می سازد و چارچوبی برای تعامل افراد، گروه ها و نهادها ارائه می کند. بحث از کمیت و کیفیت این حقوق و تکالیف، امروزه حجم وسیعی از گفتارها و نوشتارها را به خود اختصاص داده و این مسئله را مطرح ساخته که تحقق شهروندی و به تبع آن توسعه در گرو شناخت مؤثر آن است. بنابراین، ((کارکرد اصلی شهروندی، اداره جامعه مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می دارند)) (فالکس¹، 2000: ص 167). محققان این پدیده را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داده اند. در پژوهشی علمی که این مقاله براساس آن تدوین یافته، به بررسی وضعیت شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر اصفهان پرداخته شده است. از آنجا که شهر اصفهان به یکی

اولین شهرهای مستقل متکی به شهروندی یا ((پلیس ها⁵)) در بین النهرین و به طور دقیق در تمدن سومر شکل گرفته و پا به عرصه حیات گذارده است (پیران، 1380: ص 17). با نابودی این تمدن مفهوم شهروندی نیز از بین رفته و بعدها در تمدن آتن احیا شده است. با ظهور دموکراسی در دولت شهرهای یونان، شهروندی به معنای برخورداری از حقوق و وظایف و مشارکت سیاسی فعال مطرح شد. از نظر ارسطو، یک فرد زمانی شهروند قلمداد می شد که می توانست به طور چرخشی و نوبتی در حکم رانند و اطاعت کردن سهمیم باشد (اولیور و هیتر⁶، 1994: ص 11). در قرون وسطی، شهروندی دستخوش فراموشی طولانی مدتی گردید و کلیسا همچون محوری برای هدایت اخلاقی و وفاداری، جایگزین اجتماع سیاسی شد. فقط در چند شهر ایتالیا چون فلورانس و ونیز مسئولیت پذیری و مشارکت در امور عمومی رواج داشت (فالکس، 2000: صص 20-21). اما ظهور شهرهای مستقل در پایان قرون وسطی را باید بسیار مهم انگاشت، زیرا نقش انکارناپذیری در پیدایش و تکامل نظام سرمایه داری داشتند (پیران 1380: ص 30). به گونه ای که ماکس وبر (1927) اعتقاد داشت شهروندی فقط در مغرب زمین یافت می شود، زیرا فقط در غرب شهرهایی با این ویژگی ها به وجود آمده و تمدن های شرقی چون چین، هند و خاور میانه فاقد چنین مفهومی هستند. وی بر این اعتقاد بود که مفهوم شهروندی به لحاظ تاریخی با رشد دولت شهرهای دنیای کلاسیک روم و یونان در ارتباط است که فضای عمومی را برای ارتباط آزاد و عقلانی میان کنشگران اجتماعی فراهم

اصفهان 838233 نفر می باشد (مرکز آمار ایران، 1377: ص 99). با توجه به اینکه حجم نهایی نمونه تحقیق مصالحه و توازنی بین هزینه، دقت و تضمین برخورداری از تعداد کافی برای تحلیل معنا دار خرده گروهها می باشد (دواس¹، 1376: ص 80) حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران که در آن خطای نمونه گیری قابل قبول (d) 8% و درصد جمعیتی که انتظار می رود پاسخ خاص ارائه کنند (p,q) 4% و 6% و سطح اطمینان 95% (1/96) (t=) باشد، 150 نفر تعیین شد (دواس، 1376: ص 79). روش نمونه گیری در این تحقیق سهمیه ای است. سهمیه ها بر اساس سه متغیر جنس، سن و محل سکونت افراد تعیین شده است که پس از تعیین سهمیه ها در تابستان 1384 مبادرت به جمع آوری اطلاعات از جمعیت نمونه شده است. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. پرسشنامه این تحقیق دارای اعتبار محتوی² است که مبتنی بر نظر کار شناسان می باشد و برای سنجش پایایی³ آن از روش بازآزمایی⁴ استفاده شده است. در این روش به فاصله یک ماه، تکمیل پرسشنامه بین تعدادی از پاسخگویان غیر از جمعیت نمونه تحقیق دوباره تکرار شد و ضریب همبستگی بین آنها (r= %69) شد که میتواند از پایایی قابل قبولی برخوردار باشد. از روشهای آماری سطح توصیفی مانند شاخصهای مرکزی و همچنین جداول فراوانی به منظور تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

تحولات تاریخی و نظری شهروندی

-
- 1-Devaus
 - 2-Content validity
 - 3- Reliability
 - 4-Re-test method

5-Polis

6-Oliver & Heater

توان در تفکرات فلسفی و سیاسی دوران باستان و قرون وسطی مشاهده کرد، اما پیشینه ظهور این مفهوم، به عنوان ابزار مهم تحلیلی در تفکر جامعه شناسی به آرای تی.اچ. مارشال باز می‌گردد. به نظر مارشال، شهروندی موقعیت اعطا شده به اعضای کامل اجتماع است. تمام افراد دارای این موقعیت، با توجه به حقوق و وظایف اعطا شده به آنان، با یکدیگر برابرند (1964:ص 17).

شهروندی مدنی² در قرن هجدهم شامل حقوق ضروری برای آزادی های فردی - آزادی بیان، آزادی اندیشه، حق برخورداری از عدالت و قراردادهای معتبر - می‌گردید که به واسطه رشد نهاد دادگاه و نظام قضایی ظهور کرد. شهروندی سیاسی³ در بردارنده حق مشارکت در تصمیم‌گیری های سیاسی - به عنوان عضو یا رأی دهنده - بوده که در قرن نوزدهم با رشد شوراها و پارلمان تحقق یافت. در قرن بیستم، با ایجاد نظام های آموزشی و تأمین اجتماعی، حق دسترسی به مجموعه وسیعی از مزایای عمومی که توسط دولت در حوزه های بهداشت، آموزش و غیره ارائه می‌شد، به نام شهروندی اجتماعی⁴ به منصفه ظهور رسید. پایه و اساس شهروندی بر برابری قرار داشته که با نابرابری های منتج از نظام سرمایه داری در تضاد است (1964 و 1981). نظریه مارشال بر آثار جامعه شناسان به ویژه جامعه شناسان آمریکایی تأثیر زیادی داشت، اما مارشال (1964 و 1981) از سوی صاحب نظران متعددی نیز مورد انتقاد قرار گرفت. این انتقادها زیر بنای ارائه نظریه های جدید گردیده که گاه با

می‌ساخت. همچنین مفهوم شهر و تکامل تاریخی شهرهای مستقل در تکوین نوعی تفکر فلسفی در مورد آزادی، فردیت و مدنیت نقش حیاتی داشته است. وبر این مشخصه را منحصر به غرب می‌دانست. مهاجرت از حومه شهر برای سکونت در شهر نوعاً با فرایند تمدن مرتبط دانسته می‌شد و شهری شدن به معنای ((متمدن شدن)) فرد بود (تر نر، 1990:ص 203). در قرون شانزدهم و هفدهم بنیان های شهروندی مدرن پی ریزی شد. نظریات فلاسفه سیاسی چون هابز، لاک و روسو در شکل گیری اندیشه های لیبرال و انقلاب فرانسه بسیار مؤثر افتاد. در اندیشه هابز توجه به حقوق فرد، برابر، تمرکز قدرت و تمرکز ابزار خشونت در دست حاکم و در نظریات لاک، آزادی و حقوق زندگی و حق مالکیت شهروندان و در دیدگاه های روسو شایستگی شهروندان در مشارکت در تصمیم گیریها به چشم می‌خورد. انقلاب 1789 فرانسه بر پایه سه شعار ((برابری، برادری و آزادی)) را بایستی نقطه عطف شهروندی مدرن به شمار آورد. شهروندی در این دوره با تصویب ((حقوق بشر و شهروندی)) به اوج خود رسید و با شکل گیری دولت ملی¹، به عضویت درون مرزهای ملی یک کشور تبدیل شد. در این نوع شهروندی پیش از پیش بر حقوق ملت در مقابل دولت تأکید می‌شد. عناصر اصلی این شهروندی، توجه به خواست عمومی، مجموعه حقوق برابر، ترتیبات سیاسی خاص و وظایف در قبال دولت و کشور بود. به واسطه این عناصر و دگرگونی های پدید آمده، بسیاری از وظایف به نهادهای ملی واگذار گردید. همان طور که در قبل آمد، اندیشه شهروندی را می

2-Civil citizenship
3-Political citizenship
4-Social citizenship

1-Nation state

حوزه های عمومی حتی در گستره اروپا از طریق شبکه های ارتباطی بسیار خوش بین است. به نظر هابر ماس، این شبکه ها شرایط مناسب دموکراسی خواهد بود، زیرا اعضای جامعه صرفاً در حوزه عمومی و جامعه مدنی از نقش شهروندی برخوردار خواهند شد. از رهگذر جامعه مدنی در حوزه عمومی که حد واسط نظام سیاسی و بخش های خصوصی است، مسائل مختلف حل خواهد شد. در این حوزه ها، افراد مسئولیت ها و حقوق خود به عنوان شهروند را پذیرفته و قادر به بیان نظرها و عقایدشان می شوند (1994). نظریه این جامعه شناس بر شرایط دسترسی برابر به مشارکت در ((گفتمان عقلانی²²)) تمرکز یافته که به صورت اجتماعات مختلف پیشنهاد می شود به نظر او، جامعه مدنی نظامی از اجتماعات است که گفتمان ناظر بر مسائل عمومی را نهادینه می کند و بستری برای تحقق شهروندی ایجاد می نماید (کارتر، 2000: ص 159). در انتقاد به مارشال، ترنر به دو اصل تفاوت پذیری³ (تقسیمات جنسیتی، نژادی و طبقات اجتماعی) و انسجام⁴ مورد نظر برخی جامعه شناسان اشاره می کند که آن را سامان دهنده جوامع می دانند. وی معتقد است در جوامع مدرن جایی که نابرابری اجتماعی با عقلانیت اقتصادی توجیه می شود، شهروندی می تواند به مثابه مذهب مدنی در جهت انسجام اجتماعی عمل کند. فرد می تواند گستره مطالعات شهروندی را در رابطه متقابل هویت⁵، اجتماع، فضیلت مدنی و منابع کشف کند. وقتی حقوقی به عنوان موقعیت رسمی نهادینه می شود، استحقاق

مدل های مفهومی لیبرالیسم و جمهوری خواهی نیز همپوشانی دارد. پارسونز جامعه شناس آمریکایی، شهروندی را در معنای کامل واژه، نتیجه ظهور جامعه سرمایه داری صنعتی دانسته و بر این باور است که تمام تغییراتی که در جامعه سنتی رخ داده نظیر شهری شدن، صنعتی شدن، عقلانیت و .. بستر مناسب برای این پدیده را به وجود آورده است. از آن جا که شهروندی، عضویت کامل در اجتماع - ملی - است بر همبستگی و وفاداری متقابل اعضا قرار داشته و مبنای جمعی انسجام اجتماعی بشمار می رود. از نظر پارسونز، بایستی برای دستیابی به هویت عام شهروندی، هنجارهای عام را در قالب فعال گرایی، عام گرایی، آزادگی، مساوات طلبی و معیارهای اکتسابی گسترش داد. بنابراین در گذار از جوامع سنتی به مدرن تغییراتی در جهت تحقق شهروندی در سطوح فردی و ساختاری پدید می آید. (نگاه کنید به پار سونز (1965). در نظریات جامعه شناسان انتقادی نیز شهروندی مفهومی کلیدی محسوب می شود. دارند ورف، شهروندی را ایده بسیار مهمی دانسته که طی قرن ها موتور پویای حرکت گروه های محروم بوده است. این صاحب نظر گسترش حقوق شهروندی کامل برای همه را وظیفه اصلی سیاست اجتماعی¹ دانسته و آزادی را راه رسیدن به برابری و عدم محرومیت و به تبع آن شهروندی پویا و واقعی قلمداد کرده است (دارندورف، 1974: ص 292). هابرماس، شهروندی را در رابطه با اجتماع سیاسی، جامعه مدنی و حوزه عمومی چه با یک دولت ملی هم مرز باشد و چه نباشد، تحلیل می کند و نسبت به

2-Rational discourse

3-Differentiation

4-Integration

5-Identity

1-Social policy

های رسیدن به آنها هم بوجود آید. بنابراین، یک نظریه در خور درباره شهروندی باید سطوح مختلف فردی و ساختاری را در بر بگیرد و مبارزات اجتماعی را با توسعه شهروندی مورد توجه قرار دهد (گیدنز، 1377). در انتقاد به دنیای مدرن مباحث و مجادلاتی درباره ارتباط شهروندی با ملیت و جهانی شدن، جنسیت و وضعیت ویژه زنان، هویت های مختلف فرهنگی، برابری خواهی و رفع محرومیت ها و وضعیت اقلیت ها مطرح شده است. این تنوع فکری و رویکردها به آسانی قابل جمع بندی نیستند، اما نشانگر پیچیدگی مفهوم شهروندی و ترسیم کاملاً متفاوت حقوق و وظایف در این تفکرات هستند.

چارچوب مفهومی و مدل های نظری

آنتونی گیدنز² نظریه پرداز اجتماعی برجسته معاصر بر آن است که پدیده های مدرن از جمله پدیده های شهروندی، برخوردار از یک پیشینه تاریخی بلند مدت و کوتاه مدت هستند از این رو برای بررسی تکوین و توسعه تاریخی، اجتماعی پدیده شهروندی و نیز گسترش مفهومی نظری آن ضروری است که این سیر تاریخی دو گانه (بلند مدت و کوتاه مدت) توأمان و به طور مختصر وارد می شود. پیش از آن لازم است به یک نکته مهم در این باره اشاره شود: این نکته راجع به پیوند و ارتباط نا گسستگی و دو سویه میان مفهوم شهروندی و جامعه است. هم مفهوم و هم پدیده شهروندی به سه شکل با جامعه در ارتباط است.

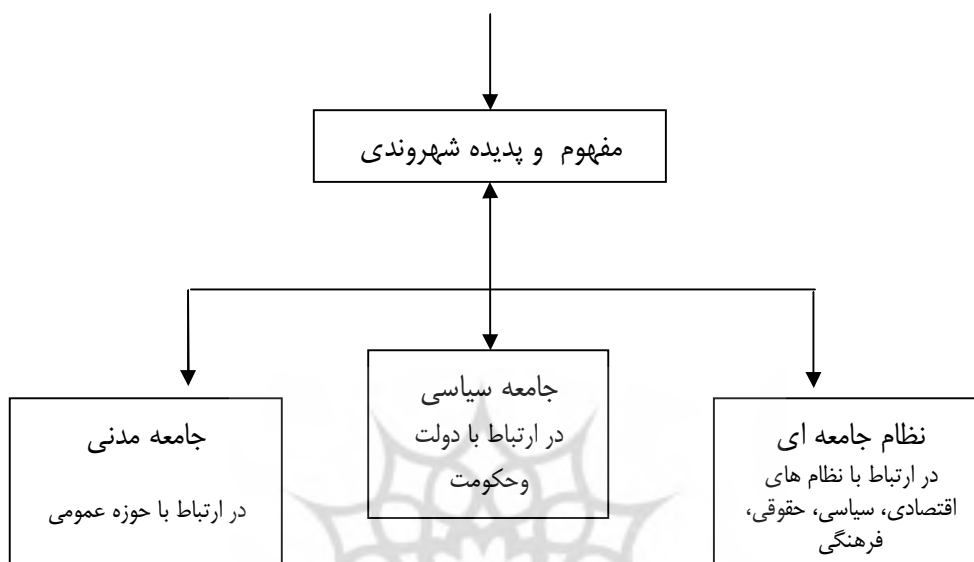
رسمی برای منابع کمیاب را به مردم اعطاء می کند. شهروندی نیز بر دسترسی افراد و گروه ها به منابع نظارت می کند در این اجتماع، افراد با شهروندی شدن هویتی کسب کرده و دارای فضیلت مدنی می شوند؛ یعنی تعلقات و وابستگی نسبت به اجتماع سیاسی پدید می آید (ترنر، 2000: صص 37-39). برخی از جامعه شناسان و اندیشمندان سیاسی نظیر مان¹ (1987) معتقدند که حقوق شهروندی تا حد زیادی محصول استراتژی حاکم و تصمیمات نخبگان است، در حالی که ترنر و گیدنز بر نقش مبارزات اجتماعی تأکید می کنند. به نظر ترنر، مبارزه موتور اصلی حرکت شهروندی اجتماعی است و شهروندی جایی که ابعاد سلسله مراتبی و خاص گرایانه طبقاتی توسط رخدادهای تاریخی و جنبش های اجتماعی ویران شده، گسترش می یابد. در حقیقت مهاجرت توده ها، جنگ های نوین و جنبش های اجتماعی بوده که نتایج افزایش تقاضا برای حقوق اجتماعی یعنی شهروندی را در پی داشته است (ترنر، 2000: صص 42). گیدنز نیز تغییر اجتماعی را موثرتر از اداره و سامان دهی به شمار می آورد و خاطر نشان می کند ((مبارزات جنبش های کارگری برای اصلاح شرایط اقتصادی طبقه کارگر و تحقق بخشیدن به حقوق شهروندی، تا حد بسیار زیادی به تغییر خصیصه های جوامع سرمایه داری غرب کمک کرده است)) (گیدنز، 1993: صص 255). وی چهار ارزش را محور برنام ه های دموکراتیک معرفی می کند: عدالت اجتماعی، آزادی، برابری و انسجام اجتماعی و معتقد است اگر ارزش هایی در جامعه و در میان افراد وجود دارد بایستی زمینه ها و فرصت

2-Antony Giddens

1- Mann

در شکل زیر اشکال این ارتباط نشان داده شده است.

شکل ۱: اشکال ارتباط شهروندی و جامعه



منبع: گیدنز، 1993

توجه شود. اولین اتفاق به گسترشهای مفهوم نظری و نحوه باز اندیش مفهوم شهروندی در نظریه سیاسی اجتماعی و تا اندازه ای نظریه شهری بر می گردد، بطوریکه مفهوم شهروندی در نظریه سیاسی، اجتماعی در ارتباط با جامعه مدنی، جامعه سیاسی و نظام جامعه ای صورت بندی شده است. در بافت جامعه نیز پدیده شهروندی در ارتباط با جامعه مدنی، جامعه سیاسی و نظام جامعه ای بصورت تاریخی توسعه یافته است (گیدنز، 1377). به نظر مارشال (1964)

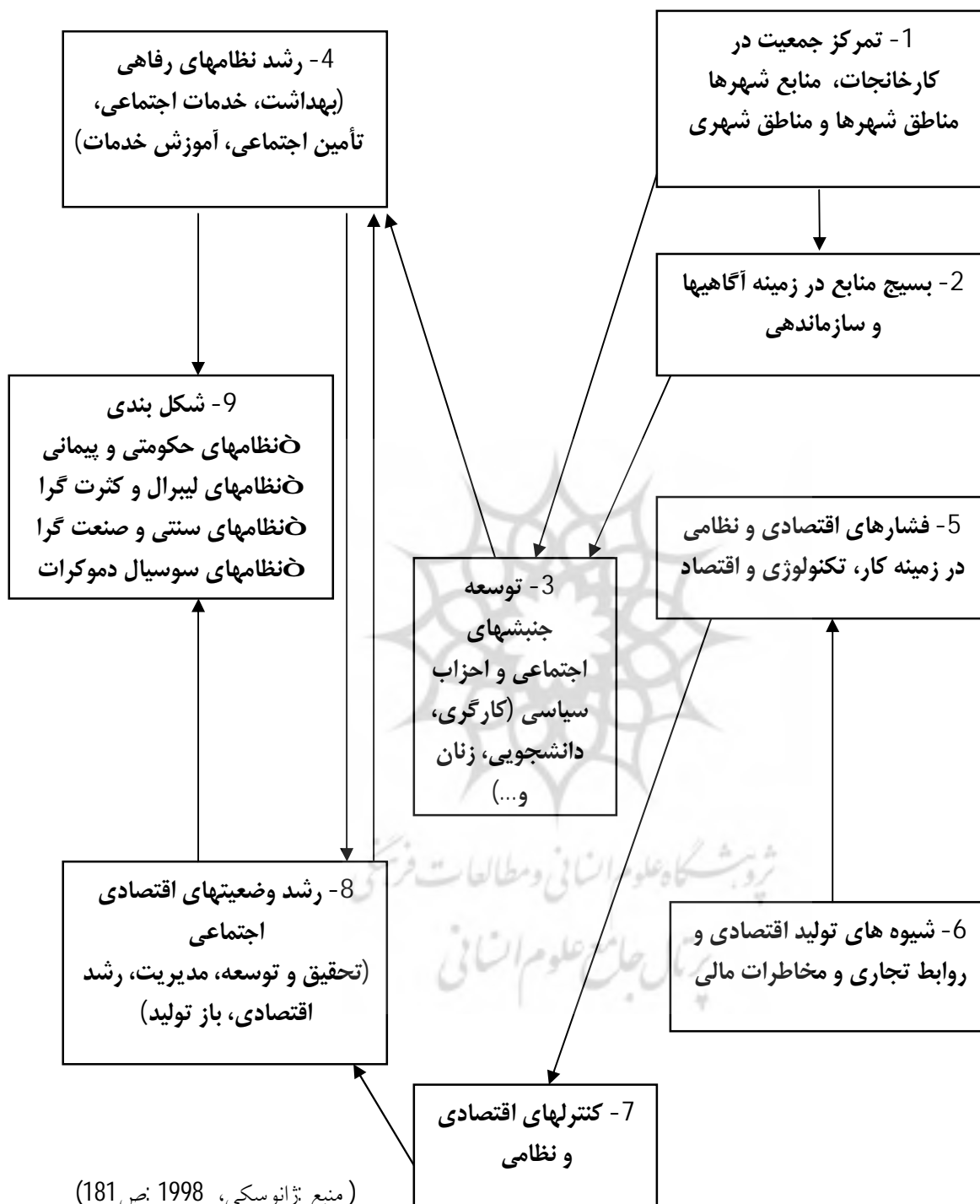
به طوری که مشاهده می شود مفهوم و پدیده شهروندی همزمان با جامعه سیاسی (شهروندی) در ارتباط با دولت و حکومت در سطوح ملی، محلی و شهری)، جامعه مدنی (شهروندی در ارتباط با حوزه عمومی) و نظام جامعه ای (شهروندی در ارتباط با نظامهای اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، شکل دهنده جامعه) در ارتباط است. بنابراین با توجه به این اشکال ارتباطی میان شهروندی و جامعه، دو اتفاق در زمینه مفهوم و پدیده شهروندی روی داده است که لازم است بدان

است. در سده 20 حقوق سیاسی گسترش یافت و سرانجام از نیمه دوم سده 20 و پس از جنگ جهانی دوم و با استقرار دولت رفاه حقوق اجتماعی شهروندی به رسمیت شناخته شده است. روی هم رفته به طوری که ملاحظه می شود ارتباط و پیوند ناگسستنی میان شهروندی و شکل بندی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، فرهنگی جامعه مدرن دیده می شود. این ارتباط و پیوند در نظریه سیاسی، اجتماعی مدرن به صورتهای گوناگون در قالب الگوهای نظری نشان داده شده است.

در الگوی نظری شکل 2 که پانوشکی آن را ارائه داده است متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی موثر بر توسعه تاریخی شهروندی در غرب و نحوه تأثیرگذاری این متغیرها بر یکدیگر نشان داده شده است.

شهروندی پایگاهی است که به تمام افرادی که عضو تمام عیار اجتماع خود هستند داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه حقوق و وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند و حقوق و وظایف شهروندی موجب تثبیت قانون می شود. مارشال حقوق شهروندی را دارای سه حوزه اصلی می داند: حقوق قانونی مدنی (آزادی های فردی، آزادی بیان، حق مالکیت، حق بهره مندی از عدالت) حقوق سیاسی (حق رأی، حق شرکت در انتخابات، حق مشارکت سیاسی) حقوق اجتماعی (حق بهره مندی از امنیت، رفاه اجتماعی، خدمات مدنی). به نظر مارشال حقوق سه گانه شهروندی (مدنی، سیاسی، اجتماعی) طی 250 سال گذشته در غرب مراحل تحول تاریخی متفاوتی را پشت سر گذاشته است. به نظر وی در پایان سده 19 حقوق مدنی شهروندی تثبیت شده

شکل 2: توسعه تاریخ شهروندی در جامعه مدرن (1789-1945)



شکل 3 دموکراسی و شهروندی

مؤلفه های کلیدی	دموکراسی اقتصادی باز	دموکراسی اخلاقی
• اصول	• تامین آزادیهای فردی • انتخاب رهبران سیاسی	• برابری سیاسی • مشارکت پذیری • فرصتهای شهروندی
• ویژگیها	• نظام انتخابات، احزاب، مطبوعات • آزادی، تفکیک قوا، قوه قضائیه مستقل	• شهروند سازی • مشارکت شهروندی
• مفروضات	• اجتماع سیاسی متشکل از شهروندان فردی • نخبه گرایی سیاسی در سطح اقلیت • شهروندی منفعل در سطح اکثریت • پیگیری تامین اهداف فردی	• اجتماع سیاسی متشکل از شهروندان اجتماعی • پیگیری تامین اهداف جمعی
• شرایط اجتماعی	• فرد گرایی لیبرال • بازار اقتصاد آزاد • دولت حداقل • مشارکت شهروندی فراگیر • نخبه گرایی سیاسی گسترده	• شهروندان آگاه، برابر و آزاد • شهروندان قادر به مشارکت • حوزه عمومی و جامعه مدنی • نظارت بروکراتیکی حداقل • تصمیم گیریهای غیر نخبه گر

(منبع: دمان، 1996: ص 70)

در الگوی نظری شکل 3 کارو ها رتنت ارتباط میان نظام سیاسی دموکراسی و شهروندی را به تفکیک اصول، ویژگیها، مفروضات و شرایط اجتماعی مؤثر بر شکل گیری شهروندی به دست داده اند این الگو در درجه اول نشان می دهد که وجود نظام دموکراتیک پیش شرط اصلی تحقق شهروندی است.

در الگوی نظری شکل 4 که مربوط به هابرماس نظریه پرداز اجتماعی بزرگ معاصر است نقش اجتماعی شهروندی در ارتباط با حوزه عمومی و جامعه مدنی ترسیم شده است. در نظر هابرماس اعضای جامعه مدرن صرفاً در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی از نقش شهروندی برخوردارند حال آنکه در حوزه خصوصی و خرد نظامهای اقتصادی، سیاسی چنین نقش اجتماعی را در عهده ندارند.

شکل 4 حوزه عمومی و شهروندی

زیست جهان	نقشهای اجتماعی	روابط متقابل	نظامهای اجتماعی
حوزه خصوصی	شاغل	نیروی کار →	بازار
	مصرف کننده	درآمد ←	
		کالا و خدمات ←	
		تقاضاها →	
حوزه عمومی	ارباب رجوع	مالیاتها →	دولت
	شهروند	اقدامات سازمانی ←	
		تصمیم گیریهای سیاسی ←	
		تعهد جمعی →	

(منبع: گلدبالت، 1996: ص 118)

شکل 5 نظام جامعه ای و شهروندی:



(منبع: نجاتی حسینی، 1380: 28)

یافته های تحقیق

در این تحقیق بر اساس اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه ها % 48 پاسخگویان زن و %52 مرد می باشند که در جداول زیر چگونگی توزیع و تفکیک آنها بر اساس متغیرهای زمینه ای ذکر شده است.

سن پاسخگویان

همانگونه که در جدول شماره یک قابل مشاهده است بیش از %68 پاسخگویان بین 15 سال تا 35 سال می باشند و حدود %32 بقیه بین 36 سال تا 64 سال می باشند که با توجه به جوان بودن جمعیت ایران امری طبیعی است. میانگین سنی پاسخگویان 29/30 سال می باشد.

در الگوی نظری شکل 5 که ملهم از نظریه نظام جامعه ای پارسونز است و همیلتون (1379) آن را ارائه داده است چگونگی ارتباط و پیوند دو سویه میان نظام جامعه ای و حقوق و وظایف شهروندی آمده است همانگونه که ملاحظه می شود رابطه میان شهروندان و نظام های اقتصادی، سیاسی، حقوقی فرهنگی جامعه دو سویه است به طوری که طرفین ارتباط نسبت به هم دارای حقوق و وظایف شهروندی متقابل هستند. تأکید اصلی در این الگو بر نقش حقوق شهروندی و وظایف شهروندی است که از مؤلفه های کلیدی در تعریف مفهوم شهروندی و نیز تکوین تاریخ شهروندی در جامعه مدرن است.

جدول شماره (1): تفکیک پاسخگویان بر اساس سن

طبقات سن پاسخگویان	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی تجمعی نسبی
15-24	57	38	38
25-35	46	30/7	68/7
36-46	31	20/7	89/4
47-57	14	9/3	98/7
58-64	2	1/3	100/0
جمع	150	100/0	-

حدود %63 از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم می باشند و %30 آنها دارای مدرک فوق دیپلم تا دکترا می باشند.

میزان تحصیلات پاسخگویان

بر اساس اطلاعات جدول شماره دو بیشتر پاسخگویان (39/3%) دیپلم می باشند و کمترین آنها (1/3%) بیسواد و یا دارای مدرک دکترا می باشند.

جدول شماره (2): تفکیک پاسخگویان بر اساس تحصیلات

مقطع تحصیلی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی تجمعی نسبی
بیسواد	2	1/3	1/3
ابتدائی	6	4	5/3
راهنمایی	27	18	23/3
دیپلم	59	39/3	62/7
فوق دیپلم	11	7/3	70
لیسانس	28	18/7	88/7
فوق لیسانس	4	2/7	91/3
دکتر	2	1/3	92/7
بی جواب	11	7/3	100
جمع	150	100	-

شغل پاسخگویان

خانه دار و 16/7 % دانشجوی می باشند. از بین پاسخگویان 8/7 % بیکار بوده و 4 % دارای مشاغل غیر از آنچه در جدول آمده هستند. ضمناً 10 % پاسخگویان شغل خود را ابراز نکرده اند.

همانگونه که در جدول شماره سه قابل مشاهده است بیشترین پاسخگویان (24/7 %) شغل آزاد داشته و کمترین آنها (2%) معلم می باشند. به همین ترتیب 17/3 % کارمند و 16/7 % خانمهای

جدول شماره (3): تفکیک پاسخگویان بر اساس شغل

طبقات مشاغل	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی تجمعی نسبی
کارمند	26	17/3	17/3
خانه دار	25	16/7	34
آزاد	37	24/7	58/7
دانشجو	25	16/7	75/3
معلم	3	2	77/3
بیکار	13	8/7	86
سایر	6	4	90
بی جواب	15	10	100
جمع	150	100	—

مدت اقامت در شهر اصفهان

درصد آنها بین 14 تا 26 سال و 16 درصد بین 1 تا 13 سال می باشد، کمترین پاسخگویان (3/3 درصد) بین 53 تا 64 سال در اصفهان اقامت دارند. میانگین مدت اقامت پاسخگویان در شهر اصفهان 25/15 سال است.

همانگونه که در جدول شماره چهار نشان داده شده است مدت اقامت پاسخگویان در شهر اصفهان در پنج طبقه دسته بندی شده است. با توجه به داده های جدول بیش از 54 درصد پاسخگویان بین 1 تا 26 سال است که در اصفهان اقامت دارند که 38/7

جدول شماره (4): تفکیک پاسخگویان بر اساس مدت اقامت در اصفهان

مدت اقامت	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی تجمعی نسبی
1-13	24	16	16
14-26	58	38/7	54/7
27-39	36	24	78/7
40-52	14	9/3	88
53-64	5	3/3	91/3
بی جواب	13	8/7	100
جمع	150	100	—

ابعاد شهروندی

در این پژوهش همانگونه که در مباحث نظری بیان شد برای شهروندی سه بعد؛ مشارکت جوئی، مسئولیت پذیری و رعایت قوانین، با وزن های مساوی در نظر گرفته شد که برای هر قسمت سوا ل و گویه هایی در قالب طیف لیکرت طرح گردید و پاسخگویان به هر کدام پاسخ داده اند. در این قسمت پس از استخراج پرسشنامه ها و تعیین میزان هر کدام از ابعاد شهروندی در پاسخگویان، میزان شهروندی و در واقع رعایت فرهنگ و هنجارهای شهروندی در افراد جمعیت نمونه تحقیق بررسی و طبقه بندی گردید که در جداول زیر نتایج آنرا مشاهده می نمائید.

مشارکت جوئی

آنچه از جدول شماره پنج بدست می آید آن است که بیشتر پاسخگویان (39/3%) به میزان متوسط در امور اجتماعی مشارکت می نمایند و احساس مشارکت جوئی دارند. همچنین کمترین پاسخگویان (3/3%) دارای کمترین میزان مشارکت در مسائل اجتماعی بوده که این میزان بین 15 تا 22 می باشد. لازم به ذکر است انواع مشارکت هایی که در قالب گویه مورد بررسی قرار گرفتند عبارتند از: مشارکت در امور عمومی و خدماتی شهر و مشارکت در حل مشکلات محله و شهر و انتقاد از مسئولین شهری و همچنین مشارکت در جلسات اولیاء و مربیان و کمک مالی و فکری به این انجمن ها و بالاخره مشارکت در انتخابات و

خود تحقیقی مستقل نیاز دارد. (با توجه به اینکه برای سنجش حس مشارکت جوئی در پاسخگویان از یازده گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است کمترین نمره ممکن برای پاسخگویان یازده و بیشترین آن پنجاه و پنج می تواند باشد که پس از استخراج نمرات پاسخگویان به پنج طبقه دسته بندی شده است).

پرس و جو راجع به کاندیداها و فعالیت های انتخاباتی و حضور فعال در جلسات انتخاباتی. بنابراین پاسخگویان مورد بررسی در این پژوهش اصلی ترین بعد فرهنگ شهروندی را در حد متوسط رعایت نموده اند که این مطلوب نیست. این عدم مشارکت از نظر تئوریک می تواند به دلیل بی اعتمادی اجتماعی و یا بی تفاوتی اجتماعی و یا عدم فرهنگ مشارکت و یا عوامل دیگر باشد که

جدول شماره (5): تفکیک پاسخگویان بر اساس میزان مشارکت

میزان مشارکت	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی تجمعی نسبی
15-22	5	3/3	3/3
23-30	25	16/7	20
31-38	59	39/3	59/3
39-46	46	30/7	90
47-53	15	10	100
جمع	150	100	—

از آن مبادرت به رعایت قانون می نمایند که از بین آنها بیشترین پاسخگویان (38/7%) نمره ای بین 28 تا 33 کسب نموده اند که در حد متوسط می باشد همچنین کمترین فراوانی مربوط به محدوده 16 تا 21 که کمترین میزان رعایت قانون است، می باشد. با توجه به فرهنگ قانون گریزی در جامعه ایران که در بستر تاریخی فرهنگی ایران شکل گرفته است، این میزان رعایت قانون که توسط پاسخگویان ابراز شده است امری طبیعی می نماید.

رعایت قانون

یکی دیگر از ابعاد شهروندی که در این پژوهش انتخاب شده است، رعایت قوانین در جامعه با مولفه هایی رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، قوانین محل کار، مقررات های اجتماعی، رعایت حقوق همسایگان و شهروندان و اعضای خانواده. .. توسط پاسخگویان می باشد. همانگونه که در جدول شماره شش مشاهده می شود بیش از نیمی از پاسخگویان (54%) در حد متوسط و کمتر

جدول شماره (6): تفکیک پاسخگویان بر اساس میزان رعایت قانون

میزان رعایت قانون	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی تجمعی نسبی
16-21	2	1/3	1/3
22-27	21	14	15/3
28-33	58	38/7	54
34-39	51	34	88
40-45	18	12	100
جمع	150	100	—

مسئولیت پذیری

پاسخگویان بصورت جدول شماره هفت دسته بندی شده است. بر اساس داده های فوق میزان مسئولیت پذیری بیشتر پاسخگویان (42%) بین 6 تا 8 که معادل، حدوداً مسئولیت پذیر است می باشد. در واقع مسئولیت پذیری پاسخگویان نسبت به مسائل اجتماعی گوناگون در حد مطلوب نبوده و در حد متوسط می باشد. 8% از پاسخگویان کمترین میزان مسئولیت پذیری را در جامعه داشته و 24% از آنها بیشترین میزان مسئولیت پذیری را داشته اند.

در این تحقیق مسئولیت پذیری با مولفه های مسئولیت در مقابل مشکلات خانواده و محله و اجتماع، عدم بی تفاوتی، مسولیت در مقابل رفتار اعضای خانواده و همشهریان و دوستان و خویشاوندان و مسئولیت در مقابل رفتار زمامداران حکومت و .. بعد سوم شهروندی می باشد که پس استخراج نمره پاسخگویان از هرگویه و تعیین شاخص مسئولیت پذیری، میزان مسئولیت پذیری

جدول شماره (7): تفکیک پاسخگویان بر اساس میزان مسئولیت پذیری

میزان مسئولیت پذیری	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی تجمعی نسبی
3-5	12	8	8
6-8	63	42	50
9-11	39	26	76
12-15	36	24	100
جمع	150	100	—

شاخص شهروندی

پس از تعیین ابعاد سه گانه شهروندی و سنجش آن در بین پاسخگویان، شاخص شهروندی از ترکیب سه متغیر قبل (ابعاد شهروندی) بدست آمد و میزان آن در هر کدام از پاسخگویان مورد ارزیابی قرار گرفت. در واقع در پایان، میزان پایبندی پاسخگویان به هنجارها و اصول شهروندی، و طبقه بندی آنها صورت گرفت. آنچه از جدول

شماره هشت قابل مشاهده است بیانگر آن است که اگر میزان شهروندی پاسخگویان را به پنج طبقه تقسیم نمائیم بیشتر پاسخگویان (37/3%) با کسب امتیازی بین 81 تا 91 دارای میزان شهروندی در حد متوسط می باشند. به عبارت دیگر پایبندی اکثر پاسخگویان به اصول شهروندی در حد متوسط می باشد.

جدول شماره (8): تفکیک پاسخگویان بر اساس میزان رعایت اصول شهروندی

میزان شهروندی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی تجمعی نسبی
59-69	8	5/3	5/3
70-80	19	12/7	18
81-91	56	37/3	55/3
92-102	51	34	89/3
103-115	16	10/7	100
جمع	150	—	—

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به اینکه فرهنگ شهر و شهروندی از ضروریات اساسی افزایش و گسترش سرمایه اجتماعی در هر جامعه است آگاهی از میزان و کیفیت آن در زمان های مختلف لازمه توسعه همه جانبه جوامع می باشد.

نتایج تجربی این تحقیق نشان می دهد که شهروندان اصفهانی در ابعاد سه گانه شهروندی یعنی مشارکت جویی، مسئولیت پذیری، و رعایت

قوانین و در نهایت پایبندی به اصول شهروندی در حد متوسط می باشند.

در واقع مطلوب نبودن میزان مشارکت جویی شهروندان در امور مختلف مدنی، سیاسی و اجتماعی را می توان در نتیجه بی اعتمادی اجتماعی و یا بی تفاوتی اجتماعی آنها و یا عدم فرهنگ مشارکت دانست. آموزش و آگاهی بخشی به شهروندان همانگونه که در دیدگاه ها و نقطه نظرهای مختلف تأکید شده است؛ عنصر کلیدی و اساسی در امر بالا بردن میزان مشارکت جویی

ازخواسته هاو آزادیهای خود را محدود نمایند تا دیگر شهروندان براحتی زندگی کنند. بنابراین تقویت دیگر خواهی و آموزش آن، پیوندی ناگسستنی با فرهنگ شهروندی خواهد داشت. عدم رعایت قانون، عدم حس مسئولیت پذیری و فقدان فرهنگ مشارکت در زندگی شهری از موانع عمده فرهنگ شهروندی است و تا شهروندان نگرش مثبتی نسبت به آنها پیدا نکنند همواره آنها در دیگران می جویند و از دیگران طلب می کنند. البته وجود نگرش منفی به این ابعاد سه گانه ریشه در گذشته تاریخی فرهنگی جامعه ایران دارد. در قانون اساسی ایران وجود حقوق سیاسی اجتماعی، حقوق اقتصادی و رفاهی، حقوق قضایی و حقوق فرهنگی در اصول مختلف آن بسیار به چشم می خورد. اما ایستارهای جامعه ایرانی مانع از نهادینه نمودن و عمل به آنها است. بنابراین تغییر نگرش جامعه از طریق آموزش آنها امری اجتناب ناپذیر است. تنها نکته ای که باید در کنار آموزش های آگاهانه کلاسیک بدان توجه نمود، آن است که هنگامی آموزش موثر است که متولیان و آموزش دهندگان و بطور کلی کارگزاران جامعه خودشان پایبند و عامل به آن باشند و در غیر اینصورت کمترین اثر را خواهد داشت.

منابع

1- امام جمعه زاده، سید جواد (1381). جهانی شدن و شهروندی، چکیده مقالات همایش راه کارهای

شهروندان می باشد که نقطه شروع آن را باید در آموزش و پرورش و تقویت کارکردهای آن جستجو نمود.

اما عدم رعایت قوانین در حد مطلوب در بین شهروندان که از ابعاد دیگر شهروندی است را باید در قانون گریزی جامعه ایران که در بستر تاریخی فرهنگی ایران شکل گرفته است دنبال نمود. همچنین عدم شفافیت قوانین و امکان تفسیرهای گوناگون از قوانین و وجود انواع فسادهای اداری از عوامل جدی پائین بودن این بعد شهروندی است.

مسئولیت پذیری شهروندان در زمینه های گوناگون و در قالب نقش های اجتماعی مختلف نیز از ابعادی است که در دیدگاه ها و مدل های مختلف شهروندی به ویژه در مدل پارسنز بدان توجه شده است. یکی از عوامل اساسی در پائین بودن میزان مسئولیت پذیری شهروندان را باید در عدم وجود یک سیستم کنترل اجتماعی دقیق و نبود یک سیستم پاداش و توبه مناسب جستجو نمود.

در یک نتیجه گیری کلی می توان اذعان نمود که نهادینه کردن و توسعه فرهنگ شهروندی در جامعه ایران با توجه به پتانسیل های موجود و ساختار در حال گذار آن، از رهیافت آموزش با شیوه های مختلف قابل دستیابی است. از طرف دیگر هنگامی افراد جامعه فرهنگ شهروندی را درونی می نمایند که نسبت به محاسن و منافع آن آگاهی یابند و آنها را از نزدیک لمس کرده باشند. در این صورت است که حاضرند بسیاری

- 13- Demain , j et al. (1996).Beyond Communitarianism. MacMilan.
Faulks , K. (2000).Citizenship. London : Routledge .
- 14- Giddens , A. (1993).Class and power. I cassel (ed.) , Basingstoke : Macmillan .
- 15- Habermas , J. (1996).Citizenship and National Identity , London :Sage .
- 16- Janoski,T.(1998). Citizenship And Civil Society. Cup.
- 17- Goldbalt , D (1996).Social Theory and Environment. polity .
- 18- Mann , M.(1987).Ruling class strategies and citizenship. Sociology , Vol-21.
- 19- Marshall , T.H.(1964).Class, citizenship and Social Development. In B.S.
- 20- Marshall , T.H.(1981).Afterthought on value - problems of welfare , New York : Routledge .
- 21- Oldfield , A.(1990).Citizenship and community. London : Routledge .
- 22- Oliver , D.Heater , D.(1994).The foundation of citizenship. New York :Harvester wheatsheaf .
- 23- Parsons,T.(1965).Full citizenship for the Negro American. Sociological problem. Daetdalus , Vol. 94 .
- 24- Rawls , J.(1993).Political liberalism. New York : Columbia university press .
- 25- Turner , B.S.(1990).Outline of a Theory of citizenship. Sociology. Vol. 27 .
- 26- Turner , B.S.(2000).Islam , civil society and citizenship. Syracuse university press.
- توسعه فرهنگ شهروندی، انتشارات محبان، ص 30 - 28.
- 2- پیران، پرویز (1380). مقدمه تشریحی، تحقیق پایه ای منشور شهر تهران، تهران : دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- 3- جهانگیری، رضا (1381). شهر نشینی و شهروندی، چکیده مقالات همایش راه کارهای توسعه فرهنگ شهروندی، انتشارات محبان. ص 14-15.
- 4- دواس، دی. ای (1376). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران : نشر نی.
- 5- ذکائی، محمد سعید (1380). اخلاق شهروندی، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، تهران : مؤسسه نشر کلمه، شماره 5، ص 80 - 61.
- 6- گیدنز، آنتونی (1377). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران : نشر مرکز.
- 7- مرکز آمار ایران، (1377). آمار نامه استان اصفهان، تهران.
- 8- نجاتی حسینی، سید محمود (1380). بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، تهران : انتشارات سازمان شهرداری کشور.
- 9- Carter , A. (2001).The political theory of global citizenship. London : Routledge .
- 10- Castel, S. Davidson , A. (2000). Citizenship and Migration : Globalization and the politics of belonging. London : Macmillan .
- 11- Daherndorf, R.(1974). Citizenship and beyond : The social dynamics of an Idea. Social Research , Vol. 47 .
- 12- Dahrendorf , R. (1994).The changing Quality of citizenship. London : Sage .